

افشای قهرمانان قلابی و تجلیل از قربانیان آنها

مجید پهلوان

www.MajidPahlavan.com

فاش‌گویی بازماندگان بوجود آمد، مک دانلد وگردانندگان کلیسایی و مقامات مسئول را تحت تعقیب غیابی قرار داد که دولت کانادا تاکنون تلاش کرده این پرونده‌ها را با غرامت ببندد! پوزش خواهی رسمی دولت کانادا در سال ۲۰۰۸ ضربه ای به مجسمه قهرمان قلابی کانادا بود تا در روند بعدی نام او را از روی اقلأ مدارس ابتدائی بردارند و این گامی بود بزرگ در راستای افشای قهرمانان دروغین.

دومین مقطع تاریخی کشور کانادا و جفا به هزاران کارگر خط آهن (مهاجرین چینی تبار) بین سالهای ۱۸۸۵ و ۱۸۸۱ بوقوع پیوست، که ضمن آن خط آهن سراسری از شرق کشور راهی ساحل غربی کانادا و استان بریتیش کلمبیا شد. کارگران که اتباع وارداتی کشور چین بودند. هزاران تن از آنان در بین ساختمان خط آهن جان باختند و در کنار خط آهن دفن شدند. خط آهن چون به پایانه اش رسید. کارگران چینی تقاضای آوردن خانواده خود نمودند که دولت مرکزی و جناب مک دانلد قانون Head Tax یا مالیات سرانه راگذارده که برای هر تقاضا چینی های مهاجر باید ۵۰ دلار ضمیمه میکردند که هیچکدام چنین پولی (بسیار بالا در زمان خود) در چنته نداشتند. پس یک نسل از مهاجرین چینی تبار کانادا در حسرت دیدار عزیزان خود در سنین کهولت با دنیا وداع نمودند و Head Tax داغ ننگی شد بر دامان دولت مک دانلد، ده سال قبل از فوت قهرمان قلابی. که داستان جگرسوزتر مربوط میشود به بومیان کانادا که بر سر راه خط آهن زندگی میکردند. جناب مک دانلد و مقامات دولت او، چون ساختمان خط آهن به سرزمین بومیان رسید آنها را با قول ارسال مواد غذایی در زمستان راهی مناطق قطبی شمال نمود تا پس از اتمام کار به خانه وکاشانه خود بازگردند. قول مک دانلد تهی بود و عملی نشد و هزار بومی کانادا را در نخستین زمستان بدون آذوقه ماندند. چه بر سر آنها بویژه در میانه کشور موسوم به Prairies آمد یکی داستان است پر از آب چشم! دولت مرکزی و مک دانلد صاحبان کانادا را در بیغوله های یخ زده رها نمودند و این نخستین بار نبود! به کتاب اشعار من رجوع کنید در صفحه

یکی از بارزترین نتایج و اهمیت انقلاب انفورماتیک و دستیابی مردمان به مدیای اجتماعی، روشن‌گری مواردی است که مدیای جریان عمومی و وابسته به ارباب سرمایه و قدرت سیاسی نه توان و نه مایل به درج آنهاست. فرو ریختن مجسمه های قهرمانان قلابی در اقصاء نقاط دنیا هم یکی از این موارد است. در مطلب کوتاهم دست روی نتیجه افشاگری چندین و چند ساله ای گذارده ام که نه تنها پرده از سیاه کاریهای نخستین نخست وزیر کانادا بر میدارد که مایل هستم تا یکی از قربانیان برجسته اش را نیز معرفی نمایم. سخن از زندگی و سیاست ورزی اولین نخست وزیر کانادا به نام John MacDonald است که زاده ۱۸۵۱ و در گذشته سال ۱۸۹۱ میلادی است. (ابتدا رهبر دولت منطقه انگلیسی زبان بود (Upper Canada) و سپس نخست وزیر کشور یا فدراسیون کانادا شد. از وی داستانها نوشتند و مقامات کشوری از این اسکاتلندی که همراه خانواده به کانادا میاید قهرمانی ساختند. او را پدر کشور و بزرگراه ها و میادین و بویژه مدارس بسیاری نام او را یدک کشیدند. که جنابش سیاست را به روش استعماری اعمال میکرد و از جمله رفتار و اعمالش علیه صاحبان اصلی کانادا (بومیان) سبغانه بود.

در دومین دوره نخست وزیری مک دانلد محافظه کار، این قهرمان قلابی کشور کانادا و با تصویب مجموعه قوانین راجع به سازماندهی امور بومیان کانادا، دستور تاسیس مدارس شبانه روزی داده شد که توسط مقامات کلیسایی اداره شده و به منظور دور نمودن بچه های بومیان کانادا از خانواده و فرهنگ آنها بود! یک قلم ۱۵۰ هزار کودک و نوجوان بومی را به زور و تهدید و بیشتر ادم ربائی محض از خانواده آنها جدا کردند و برای شبیه سازی آنها با ارزش های اشغال گران اروپائی، آنها را به زور به شبانه روزی ها کشاندند. ویکی پدیا رقم مرگ و میر بچه ها را ۶ هزار نوشته ولی منابع پژوهشی استان منه توپا و اغلب دانشگاهی این رقم را بیشتر آورده اند. بچه ها را مستمراً کتک زدند، شکنجه دادند و گرسنگی و اغلب برخی مورد تجاوز کشیش ها قرار گرفتند. افتضاحی که به سبب

۱۰۶ از مجموعه ستاره باران داستان خانم فلاهرتی را منظوم آورده ام. خلاصه اینکه در دهه ۱۹۵۰ میلادی جماعتی از بومیان شمال کبک را به قطب بردند و رها کردند. منطقه مورد منازعه بین کانادا، روسیه و نروژ و دانمارک بود. دولت کانادا با اسکان بومیان مدعی پرسکته بودن انجا شد و ادعای مالکیت. آنها را بواقع در سرمای زیر ۶۰ درجه رها کردند! که قهرمانان قلبی به مدد مدیای اجتماعی و مردمی عریان میشوند.

و بالاخره میرسیم به زندگی مبارزی به نام (Louis Riel) (۱۸۴۴-۱۸۸۵) از تیره موسوم به Metis یعنی مردمانی که از ترکیب و ازدواج بومیان و مهاجرین فرانسوی زاده شدند. رهبر آنها، آقای لوئی رایبل برایشان ادعای خود مختاری نمود. امری که امروزه هر شهروند معمولی به آن احترام می گذارد. ولی دریغ که او را به جرم میهن دوستی و عشق به مردمانش اعدام نمودند. درست ۶ سال پیش از درگذشت قهرمان قلبی (مک دانلد). رایبل اندیشه پرداز و شاعر و سیاستمداری مردمی بود. وی دو بار در رهبری قیام نیم میلیون مردم متیس دست به سازماندهی قیامی زد (در وینی پگ و بعد در ساسکاچوان). درخواست خودمختاری (امری بدیهی) آنان با قوای نظامی و تخریب و نسل کشی اقایان مک دانلد و دولت مرکزی او روبرو شد. رایبل را دستگیر و به دار کشیدند! حال پس از بیش

از ۱۳۰ سال حق خواهی مردم متیس ثابت شده و خونریزی و تهاجم قوای دولتی افشاء. روزنامه تورونتو استار در شماره ۳۰ سپتامبر مطلبی نه چندان جامع در مورد رایبل و موضع بر حق او داشت. امسال کتاب اشعار رایبل و صلیب و چاقوی قلم تراش او از توقیف پلیس فدرال کانادا خارج و به موزه مردم متیس بازگردانده شد. دولت مرکزی کانادا مدتی است برای کنترل آثار مخرب این تبهکاری ها دست به پوزش خواهی و در مواردی غرامت دهی زده و عملی بسیار مطلوب. گوئی جهان نو و نسل جوان دست به افشاگری علیه قهرمانان قلبی زده. من اما که به سهم خود و در کارهایم همواره بر حقانیت موضع بومیان کانادا و ادعای مالکیت و حقوق آنها پای فشرده ام. همواره به مهاجرین متذکر شده ام که (بویژه برای دوستداران فلسطین!) هر خانه ای که روی زمین پهناور کانادا ساخته اند، اغلب بر فراز ملک مسلم و خانه و کاشانه تیره ای از ملت نخستین و سایر شعبات بومیان کانادا است. به فکر بازگرداندن زمین مردم به مالکین ستمدیده و قصابی شده کانادا که نمیتوانید باشید اقلا بدانید و متذکر شوید که نسل کشی ۲۵۰ ساله از بومیان کانادا را هیچ دست کمی از سرنوشت فلسطینیان ندارد و اغلب تیره و خونبارتر!
